

Original Article

The Mediating Role of Self-Esteem and Emotion-Regulation in the Relationship between Early Maladaptive Schemas of Mothers and Mother-Daughter Conflicts

Maryam Nikkhah Delshad¹, Mohammad Hasan Asayesh^{2✉}, Masoud Gholamali Lavasani³

1. Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.
3. Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 2023/03/05

Revised: 2023/11/28

Accepted: 2023/12/25

Doi: <https://doi.org/10.48308/JFR.19.4.649>

The aim of this study is to investigate the relationship between early maladaptive schemas of mothers and mother-daughter conflicts through self-esteem and emotion-regulation. The study's statistical population comprised all female high school students enrolled in a theoretical field in Tehran City, Iran in 2020 with their mothers. 315 students and their mothers were chosen as the sample size, and the sampling method was accessible. The students were asked to complete Conflict Behavior Questionnaire (CBQ) and their mothers were asked to complete Young Schema Questionnaire-Short Form (YSQ-SF) and Rosenberg's Self-Esteem Scale (SES) and Difficulties in Emotion- Regulation Scale (DERS). Path Analysis in Lisrel was used to analyze the data. The study's findings revealed strong connections between emotional deprivation, defectiveness/shame, and negativity/pessimism EMSs of mothers and mother-daughter conflicts. The indirect relationships of dependent/incompetence, insufficient self-control/self-discipline, and negativity/pessimism EMSs of mothers and mother-daughter conflicts through emotion-regulation was also significant. Furthermore, there were significant direct relationships between defectiveness/shame and dependence/incompetence EMSs and self-esteem, but there was no significant relationships between self-esteem and parent-adolescent conflict. This research revealed that mothers' early maladaptive schemas play a significant role in creating conflict between them and their teenagers. Also, it seems that low self-esteem in mothers can only cause a decrease in their relationship with their teenagers and cannot play a significant role in creating conflict between parents and teenage girls, these findings can help in better explaining parent-adolescents conflicts and developing intervention protocols in family therapy.

Keywords: Early Maladaptive Schemas, Parent-adolescent Conflict, Self-Esteem, Emotion-Regulation, Difficulties in Emotion- Regulation, Mother.

How to cite: Nikkhah Delshad, M., Asayesh, M.H., & Lavasani, M.GH. (2024). The Mediating Role of Self-Esteem and Emotion-Regulation in the Relationship between Early Maladaptive Schemas of Mothers and Mother-Daughter Conflicts. *Journal of Family Research*. 19(4):649-670. <https://doi.org/10.48308/jfr.19.3.649>.

✉Corresponding Author Email Address. asayesh@ut.ac.ir



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access
Publication under the terms and conditions of the creative commons attribution
(CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

نقش واسطه‌ای حرمت خود و تنظیم هیجان در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران و تعارض‌های مادر-نوجوان دختر

مریم نیکخواه دلشاد^۱، محمد حسن آسایش^۲، مسعود غلامعلی لواسانی^۳

۱. گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران. تهران

۲. گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران. تهران

۳. گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران. تهران

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

DOI: <https://doi.org/10.48308/JFR.19.4.649>

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای حرمت خود و تنظیم هیجان در رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران و تعارض‌های مادر-نوجوان دختر بود. جامعه مورد پژوهش همه دانش‌آموزان دختر در مقطع متوسطه دوم شاخه نظری در شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ و مادرانشان بود. تعداد ۳۱۵ نفر از دانش‌آموزان دختر و مادرانشان به عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به آن‌ها پرسش‌نامه رفتار تعارض (CBQ) و به مادرانشان پرسش‌نامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ)، پرسش‌نامه حرمت خود روزنبرگ (SES)، مقیاس دشواری در تنظیم هیجان گراتز و رومر (DERS) داده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Lisrel و با روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که طرحواره‌های محرومیت هیجانی، نقص/شرم و منفی‌بینی مادران بر تعارض‌های میان آن‌ها و دختران نوجوانشان اثر مستقیم معنادار دارند. طرحواره منفی‌بینی علاوه بر اثر مستقیم، اثر غیرمستقیم معنادار نیز بر تعارض والد-نوجوان می‌گذارد. طرحواره‌های وابستگی و خویش‌داری ناکافی اثر مستقیمی بر تعارض والد-نوجوان ندارند، اما به واسطه تنظیم هیجانی اثر غیرمستقیم معنادار بر تعارض دارند. همچنین اثر مستقیم طرحواره‌های نقص و وابستگی بر روی حرمت خود معنادار است، اما حرمت خود اثر معناداری بر تعارض ندارد. نتایج این پژوهش نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران در ایجاد تعارض میان مادران و نوجوانانشان نقش بسزایی دارد. همچنین به نظر می‌رسد حرمت خود پایین در مادران صرفاً می‌تواند سبب کاهش ارتباط آن‌ها با نوجوانانشان شود و قادر نیست در ایجاد تعارض میان والدین و نوجوانان دختر نقش بسزایی داشته باشد. این یافته‌ها می‌تواند در تبیین بهتر تعارض‌های والد-فرزندی و تدوین پروتکل‌های مداخلاتی و درمان خانواده کمک‌کننده باشند.

کلیدواژه‌ها: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، تعارض والد-نوجوان، حرمت خود، تنظیم هیجانی، دشواری در تنظیم هیجان، مادر.

استناد به این مقاله: نیکخواه دلشاد، م.، آسایش، م. ح.، و لواسانی، غ. م. (۱۴۰۲). نقش تعدیلگر تجربه اعتماد از دواج پیشین در رابطه سبک

دلبستگی و اعتماد به همسر در ازدواج مجدد فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۹(۴)، ۲۵۹.

✉ نویسنده مسئول: asayesh@ut.ac.ir

مقدمه

سال‌های اولیه نوجوانی با تغییرات چشمگیر جسمانی، شناختی، هیجانی و اجتماعی مشخص می‌شوند که در آغاز بلوغ پدید می‌آیند. این تغییرات با تغییر شکل روابط خانوادگی همراه است (برانج^۱، ۲۰۱۸). در این دوره، روابط والد-نوجوان به طور فزاینده‌ای هم‌سطح‌تر می‌شود و نوجوانان می‌کوشند استقلال بیشتری از والدین کسب کنند؛ ولی والدین این درخواست نوجوانان برای استقلال بیشتر را هنوز مناسب نمی‌دانند و این مسئله در کنار تفاوت در انتظارات والدین و نوجوانان، سبب تعامل‌های تعارضی بیشتر می‌شود (هادیویجایا، کلیمسترا، ورمونت، برانج و میوس^۲، ۲۰۱۷؛ برانج، ۲۰۱۸). در طی دوره نوجوانی، فراوانی تعارض‌های والدین و نوجوانان به تدریج کاهش می‌یابد؛ اما شدت این تعارض‌ها معمولاً از اوایل تا اواسط نوجوانی افزایش و پس از آن کاهش می‌یابد (مستروتئودورز، وان در گراف، دکویک، میوس و برانج^۳، ۲۰۲۰). در نوجوانان، بیشترین میزان تعارض در رابطه با مادر و بعد از آن با پدر است. در مقایسه با تعارض با همسالان که بر سر مسائلی چون دوستی و علاقه به جنس مخالف است، تعارض والد - نوجوان^۴ بر مباحث مسئولیت‌پذیری، مدرسه و استقلال متمرکز است (لئورسن^۵، ۱۹۹۵).

تعارض محدود در جهت اهداف رشدی مفید است، زیرا به نوجوان در دستیابی به استقلال کمک می‌کند. به علاوه، درگیر شدن در مبادله‌های دوطرفه‌ای که دیدگاه‌های مخالف و متفاوت را دربرمی‌گیرد، نوجوانان را با فرصت‌هایی برای ارتقای مهارت‌های گفت‌وگوی بین‌فردی، تفکر منطقی و انتقادی و در نظر گرفتن دیدگاه‌های مخالف و متفاوت تجهیز می‌کند. اما تعارض مداوم یا شدید ممکن است بر سازگاری نوجوانان و والدین تأثیر بگذارد (هوئی، هیات، لئورسن، بورک و روبین^۶، ۲۰۱۷؛ وی موت، بوهرلر، ژو و هنسون^۷، ۲۰۱۶). برای مثال نوجوانانی که در سطوح بالای تعارض با والدینشان درگیر می‌شوند، معمولاً دچار مشکلات رفتاری (همچون بزهکاری و مصرف مواد) و هیجانی (مثل افسردگی و اضطراب) می‌شوند (مارتین، استورج اپل و گیوتیزز^۸، ۲۰۱۹؛ پوتنیک^۹ و همکاران، ۲۰۱۵).

بر طبق پژوهش‌ها حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد نوجوانان تعارض‌های شدیدی را در ارتباط با والدینشان از سر می‌گذرانند (مانتیمایر^{۱۰}، ۱۹۸۳).

به‌منظور بررسی علت این تعارض‌های شدید و مکرر در برخی خانواده‌ها، پژوهش‌های بسیاری انجام شد. پژوهش‌های اولیه نشان دادند که مهارت برقراری ارتباط و حل مسئله ضعیف در این تعارض‌ها سهیم‌اند و خانواده‌های آشفته را از خانواده‌های سالم متمایز می‌کنند. اما پژوهش‌های بعدی (از جمله استرن^{۱۱}، ۱۹۹۹) به نقش احتمالی پاسخ‌های هیجانی و ادراک‌های نادرست اشاره کردند که مانع توانایی خانواده‌ها برای رواج استفاده از مهارت‌های حل تعارض می‌شدند و نشان دادند که هم عواطف منفی و هم خطاهای شناختی در تعارض والدین و نوجوان در حل مسئله مشارکت داشتند.

روبین و فاستر^{۱۲} (۲۰۰۲) نشان دادند که مشکلات ساختاری و کارکردی در خانواده و باورهای غیرمنطقی نوجوانان و والدین در تعارض و آشفتگی خانوادگی سهیم‌اند. باورهای غیرمنطقی والدین می‌تواند شامل قصد مخرب، ویرانی و تباهی و اطاعت باشد. نمونه‌ای از باورهای غیرمنطقی نوجوانان نیز عبارت است از: «والدین عادل نیستند»، «قوانینشان باعث خراب شدن زندگی آن‌ها می‌شود» و اینکه «باید به نوجوانان اجازه داده

شود که هر کاری که می‌خواهند بدون دخالت والدین انجام دهند.» نتایج پژوهش وینگیت^{۱۳} (۲۰۰۴) نیز نشان داد که انتساب‌های منفی به طور معناداری با افزایش تعارض رابطه داشتند.

طرحواره‌ها که زیربنای افکار و شناخت‌ها و به عبارتی همان باورهای مرکزی افرادند، موجب سوگیری در تفسیر ما از رویدادها می‌شوند و روابط بین‌فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (یانگ، ۲۰۰۳). یکی از روابطی که می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد، روابط والد - نوجوان است. طرحواره‌های ناسازگار اولیه^{۱۴}، بازنمایی‌های هیجانی و شناختی ناکارآمدی هستند که در کودکی/نوجوانی ایجاد می‌شوند. آن‌ها تعیین می‌کنند که ما چطور فکر می‌کنیم، احساس می‌کنیم و به محیطمان پاسخ می‌دهیم. طرحواره‌های ناسازگار اولیه را آن دسته از حوادث و رویدادهای زندگی برمی‌انگیزند که یادآور موقعیت‌هایی هستند که طرحواره‌ها در آن شکل گرفته‌اند (یانگ، ۲۰۰۳). طرحواره‌ها در نتیجه تعامل سه عامل نیازهای هیجانی و تجارب ناگوار زندگی و خلق‌وخو به وجود می‌آیند. نیازهای هیجانی از دید یانگ عبارت‌اند از: ۱. دلبستگی ایمن به دیگران، ۲. خودگردانی، کفایت و هویت، ۳. آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، ۴. خودانگیختگی و تفریح، ۵. محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشنداری. هجده طرحواره ناسازگار اولیه بر طبق پنج نیاز هیجانی ارضاننده به پنج حوزه طرحواره تقسیم می‌شوند: ۱. بریدگی و طرد، ۲. خودگردانی و عملکرد مختل، ۳. محدودیت‌های مختل، ۴. دیگرجهت‌مندی، ۵. گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری (یانگ، کلسکو و ویشار، ۱۹۵۰).

حشمتی (۱۳۹۱) طی پژوهشی نمره‌های پانزده طرحواره ناسازگار اولیه والدین و نوجوانان دختر را در دو گروه خانواده‌های باتعارض و بدون تعارض والد-نوجوان مقایسه کرد. یافته‌های پژوهش او نشان داد که بین دختران در دو گروه باتعارض و بدون تعارض، در طرحواره‌های انزوای اجتماعی، بی‌اعتمادی، نقص، محرومیت‌هیجانی، شکست، خودانضباطی ناکافی، اطاعت و استحقاق تفاوت معناداری از نظر آماری وجود دارد؛ اما بین طرحواره‌های ناسازگار پدران و مادران در دو گروه باتعارض و بدون تعارض تفاوتی مشاهده نشد. از جمله انتقادهایی که بر این پژوهش وارد است، می‌توان به حجم نمونه کم اشاره کرد. حداقل حجم نمونه در تحقیقات علی‌مقایسه‌ای، برای هر گروه سی نفر است (دلاور، ۱۳۹۴). اما در این پژوهش، تعداد اعضای هر گروه فقط هجده نفر است. یکی از معایب طرح‌های علی‌مقایسه‌ای این است که یک پدیده واحد ممکن است از یک مکان به مکان دیگر یا از یک زمان به زمان دیگر علت متفاوتی پیدا کند (دلاور، ۱۳۹۴) و باتوجه‌به اینکه جامعه آماری این پژوهش، همه دانش‌آموزان دختر مقطع پیش‌دانشگاهی شهر شیروان در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ بود، تعمیم نتایج به جامعه دانش‌آموزان شهر تهران، امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر، در این پژوهش پانزده طرحواره بررسی شده و سه طرحواره بررسی نشده است.

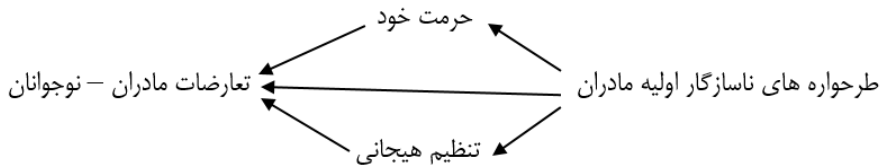
یکی از عواملی که به نظر می‌رسد می‌تواند در این رابطه نقش مؤثری ایفا کند، حرمت خود^{۱۵} افراد از جمله والدین است. حرمت خود به معنای میزانی است که افراد خود را دوست دارند و برای خودشان ارزش قائل‌اند (روزنبرگ^{۱۶}، ۱۹۶۵). حرمت خود پایین به این معناست که افراد تصویری منفی از خود دارند که معمولاً کلی و پایدار است. تجربه‌های منفی در زندگی، به‌ویژه دوران کودکی، به ایجاد یک باور منفی کلی درباره خود مثل «من خوب نیستم»، «من بی‌کفایتیم» و... منجر می‌شود که حس ارزشمندی را منعکس می‌کند. به این باور منفی و کلی بنیادین در شناخت‌درمانی، «طرحواره» یا «باور هسته‌ای» گفته می‌شود (فیل، ۱۹۹۷). نتایج پژوهش مقدم، ابراهیمی‌مقدم و جهرودی (۲۰۲۱) نشان داد که میان طرحواره‌های

ناسازگار اولیه و حرمت خود رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. همچنین پژوهش‌سندو، کالین و موگوس^{۱۷} (۲۰۲۱) نشان داد که میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و حرمت خود رابطه منفی معناداری وجود دارد. پژوهش پارک، پارک، ویلیامز، شیبوساوا و مارتین^{۱۸} (۲۰۲۱) نشان داد که میان حرمت خود و تعارض‌های والد-نوجوان رابطه وجود دارد و نیز حرمت خود در رابطه میان تعارض‌های میان والدین و تعارض‌های والد-نوجوان با سمپتوم‌های افسردگی در نوجوانان کره‌ای-آمریکایی نقش میانجی ایفا می‌کند. از طرفی سیلوربرگ و استینبرگ^{۱۹} (۱۹۸۷) نشان دادند که تعارض‌های مکرر مادر-نوجوان، غالباً در رابطه با مادران مستعد حرمت خود پایین به وقوع می‌پیوندد. اما در هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین نشان داده نشده است که آیا متغیر دیگری در کنار آسیب حرمت خود مادران، موجب تعارض‌های میان والدین و نوجوانان می‌شود یا خیر. از دیگر عواملی که به نظر می‌رسد می‌تواند در رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه والدین و ایجاد تعارض والد-نوجوان نقش میانجی را ایفا کند، تنظیم هیجانی^{۲۰} والدین است. طبق تعریف هالیگان و همکاران (۲۰۱۳) تنظیم هیجان به معنای توانایی مدیریت واکنش‌های هیجانی و دادن پاسخ‌های سازگاران در موقعیت‌هایی است که هیجان‌ها را برمی‌انگیزند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تجربه‌های نامساعد دوران کودکی ممکن است به دشواری‌هایی در تنظیم هیجان منجر شود (پول، دابسون و پوش^{۲۱}، ۲۰۱۸) و میان بدرفتاری روان‌شناختی دوران کودکی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان رابطه مثبت معنادار وجود دارد (علوی و احمدی، ۱۳۹۶).

ویژگی مهمی که تعارض‌های سازگاران و طبیعی را از تعارض‌های شدید و ناسازگاران متمایز می‌کند، توانایی تغییرپذیری هیجانی^{۲۲} است. تغییرپذیری هیجانی به معنای توانایی تغییر منعطفانه در رنج گسترده‌ای از حالات هیجانی ابرازشده در خلال تعامل‌ها تعریف می‌شود. بنابراین تعامل‌های تعارضی سازگاران والد-نوجوان، با توانایی حرکت از هیجان‌های منفی به هیجان‌های مثبت مشخص می‌شود. به علاوه بیان هیجان‌های منفی در بافت تعارضی نیز اهمیت مسئله را برای افراد نشان می‌دهد و نسبتاً در حل تعارض مؤثر است (به نقل از وان بومل، وان در گیسن، گراف، میوس و برانج^{۲۳}، ۲۰۱۹). کودکانی که در تنظیم هیجان‌هایشان مشکل دارند، ممکن است با مشکلات بین‌فردی مثل طرد شدن از سوی همسالان، توانایی کم در همدلی کردن با دیگران و مشکل در روش‌های قابل پذیرش بیان هیجان‌هایشان مواجه شوند (کیم و کیچتی^{۲۴}، ۲۰۱۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که توانایی مادران برای تنظیم هیجان‌هایشان یا مشکل در تنظیم هیجانی، نه تنها با رفتارهای والدگری خودشان در ارتباط تنگاتنگ است، که با عملکرد روانی اجتماعی کودکانشان (مثل تنظیم خودکودکان، رفتارهای درونی‌سازی و...) نیز رابطه دارد (باک هلد، پارا و جوب-شیلد^{۲۵}، ۲۰۱۴؛ هان و شافر^{۲۶}، ۲۰۱۳). والدینی که در تنظیم هیجان‌هایشان تواناترند، احتمالاً می‌توانند با نیازهای کودکانشان سازگار و به طور کامل در راهبردهای والدگری مؤثر درگیر شوند (دیکس^{۲۷}، ۱۹۹۱). بر طبق مدل والدگری فراهیجانی فلسفی^{۲۸} گاتمن و همکاران، افکار و احساسات والدین درباره هیجان‌ها (از جمله توانایی تنظیم هیجان) بر نحوه فرزندپروری و متعاقباً بر کودکان (مثل تنظیم هیجان کودک و سلامت جسمی و روانی آن‌ها) اثر می‌گذارد (گاتمن، کاتز و هوون^{۲۹}، ۱۹۹۶).

باتوجه به جست‌وجوهای انجام‌شده در پایگاه‌های علمی، بیشتر پژوهش‌ها در زمینه طرحواره‌های ناسازگار اولیه، در رابطه با اختلال‌های روان‌شناختی مانند اختلال‌های افسردگی (هالورسن^{۳۰} و همکاران، ۲۰۱۰؛ رنر^{۳۱}

و همکاران، ۲۰۱۲)، اختلال‌های اضطرابی (کالوت^{۳۲} و همکاران، ۲۰۱۵؛ کوک و لی^{۳۳}، ۲۰۱۵)، اختلال‌های شخصیت (شوری^{۳۴} و همکاران، ۲۰۱۳) و نیز مسائل و مشکلات زناشویی (بشارت، دهقان و تولائی، ۱۳۹۳؛ حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۴) بود. هدف این پژوهش، بررسی این خلأ پژوهشی بود که آیا طرحواره‌های ناسازگار مادران می‌توانند از عوامل مؤثر در ایجاد تعارض میان والدین و نوجوانانشان باشند یا خیر، و کدام طرحواره‌های والدین در این تعارض‌ها نقش بیشتری ایفا می‌کنند. به علاوه، در پژوهش فعلی بر آن بودیم که بررسی کنیم آیا تنظیم هیجانی و حرمت خود می‌توانند در رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه والدین و تعارض‌ها نقش میانجی را ایفا کنند؟ فرضیه کلی پژوهش این است: بین طرحواره‌های ناسازگار والدین و تعارض والد-نوجوان با میانجی‌گری حرمت خود و تنظیم هیجان رابطه وجود دارد. مدل فرضی و پیشنهادی این پژوهش در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱. مدل تعارض‌های والد-نوجوان

روش و جامعه پژوهش

این پژوهش از نظر هدف بنیادی، از نظر نوع داده‌ها کمی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی دانش‌آموزان دختر مشغول به تحصیل در مقطع متوسطه دوم شاخه نظری در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ شهر تهران و مادرانشان بود. از آنجاکه در این پژوهش، ۲۱ متغیر بررسی شده است و به ازای هر متغیر در مدل حداقل ده نمونه لازم است، با در نظر گرفتن تعداد حداقل ده نفر برای هر متغیر، در پژوهش حاضر ۳۱۵ نفر نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش نمایش داده شده است.

جدول ۱: توزیع نمونه بر حسب پایه تحصیلی

پایه	فراوانی مطلق	درصد
دهم	۱۰۲	۳۲٫۴
یازدهم	۱۰۶	۳۳٫۶
دوازدهم	۱۰۷	۳۴٫۰
جمع کل	۳۱۵	۱۰۰٫۰

جدول فوق توزیع جمعیت نمونه بر اساس پایه تحصیلی را نشان می‌دهد. توزیع نسبتاً یکنواختی در فراوانی دانش‌آموزان سه پایه وجود دارد. با اختلاف کمی، بیشترین فراوانی در پایه دوازدهم است که ۳۴ درصد جمعیت نمونه را شامل می‌شود.

به علت شیوع ویروس کرونا و غیرحضور بودن مدارس، امکان همکاری حضوری با مدارس از طریق اداره کل آموزش و پرورش وجود نداشت و دسترسی به جامعه آماری به صورت آنلاین بود. لذا برای دانش‌آموزان پنج دبیرستان از دبیرستان‌های دخترانه در دسترس، از طریق مذاکره با مدیران مدارس و معلمانشان لینک پرسش‌نامه الکترونیکی رفتار تعارض (CBQ-20)، و برای مادرانشان پرسش‌نامه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-90)، حرمت‌خود روزنبرگ (SES-10) و دشواری در تنظیم هیجان (DERS-36) به صورت آنلاین فرستاده شد و پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها تحلیل‌های آماری انجام گرفت.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه رفتار تعارض (CBQ): مقیاس رفتار تعارض (CBQ) را فاستر و روبین (۱۹۸۹)، به نقل از اسدی یونسی، (۱۳۸۹) ساخته‌اند و نسخه اولیه آن را اسدی یونسی در ایران ترجمه و اعتباریابی کرده است. این پرسش‌نامه یک مقیاس درجه‌بندی بیست‌سؤالی برای اندازه‌گیری ارتباط و تعارض در تعامل‌های والد-نوجوان است و دو فرم برای والدین و نوجوانان دارد. پرسش‌های این مقیاس منعکس‌کننده بیان‌هایی است که سعی در ارزیابی ادراکات پاسخ‌دهندگان از رفتار و ادراک طرف دیگر در تعامل‌های زوجی دارند. نمره بالا بیانگر ارتباطات منفی‌تر در تعامل‌هاست. پرسش‌نامه رفتار تعارض، مقیاسی با روایی و اعتبار مناسب است (لانگ، آدامز و راگیرو، ۲۰۰۰؛ روبین و فاستر، ۱۹۸۹). در مطالعه اسدی یونسی (۱۳۸۹) همسانی درونی پرسش‌نامه رفتار تعارض با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد (اسدی یونسی، ۱۳۸۹). ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش فعلی برابر با ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه (YSQ): پرسش‌نامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه (YSQ) را یانگ (۱۹۹۰) ساخته که نود ماده دارد و هجده طرحواره را اندازه می‌گیرد. هر مقیاس یک طرحواره را می‌سنجد و دارای ۵ ماده است. نمره‌های این پرسش‌نامه با جمع نمره‌های ماده‌های هر مقیاس به دست می‌آید. برای تفسیر پرسش‌نامه باید به جمله‌هایی دقت کنید که بیمار در آن‌ها نمره ۵ یا ۶ گرفته است. فرم کوتاه نودسؤالی را در ایران، یوسفی و همکاران (۱۳۸۷) هنجاریابی کردند. اعتبار این پرسش‌نامه با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و دونیمه کردن در یک نمونه ۵۷۹ نفری به ترتیب (۰/۹۱ و ۰/۸۶) بوده است.

ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش فعلی، برای هر طرحواره بدین شرح است: ۱. محرومیت هیجانی ۰/۶۵؛ ۲. رهاشدگی ۰/۶۴؛ ۳. بی‌اعتمادی ۰/۷۱؛ ۴. انزوای اجتماعی ۰/۷۲؛ ۵. نقص ۰/۶۹؛ ۶. استحقاق ۰/۶۹؛ ۷. وابستگی ۰/۶۸؛ ۸. شکست ۰/۶۹؛ ۹. خویشتن تحول‌نیافته ۰/۷۱؛ ۱۰. اطاعت ۰/۶۴؛ ۱۱. ایثار ۰/۶۳؛ ۱۲. بازداری هیجانی ۰/۶۹؛ ۱۳. معیارهای سخت‌گیرانه ۰/۶۶؛ ۱۴. خویشتن‌داری ناکافی ۰/۶۵؛ ۱۵. آسیب‌پذیری ۰/۷۰؛ ۱۶. پذیرش جویی ۰/۶۲؛ ۱۷. منفی‌بافی ۰/۶۸؛ ۱۸. تنبیه ۰/۶۶.

پرسش‌نامه حرمت خود روزنبرگ (SES): مقیاس حرمت‌خود روزنبرگ (۱۹۶۵)، حرمت‌خود کلی و ارزش شخصی را اندازه می‌گیرد. این مقیاس شامل ده عبارت کلی است که میزان رضایت از زندگی و داشتن احساس خوب درباره خود را می‌سنجد (صلصالی و سیلورستون^{۳۵}، ۲۰۰۳). نمره بالاتر از صفر نشان‌دهنده حرمت‌خود بالا و نمره کمتر از صفر نشان‌دهنده حرمت‌خود پایین است. روزنبرگ بازپدیدآوری مقیاس را ۰/۹ و مقیاس‌پذیری آن را ۰/۷ گزارش کرده است (صلصالی و سیلورستون، ۲۰۰۳). ضرایب آلفای کرونباخ برای این مقیاس در نوبت اول ۰/۸۷ برای مردان، و ۰/۸۶ برای زنان و در نوبت دوم، ۰/۸۸ برای مردان و ۰/۸۷ برای زنان محاسبه شده است (ماکیکانگاس^{۳۶} و همکاران، ۲۰۰۴). همبستگی آزمون مجدد در دامنه ۰/۸۸ - ۰/۸۲ و ضریب همسانی درونی یا آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۸۸ - ۰/۷۷ قرار دارد (نیوتن و همکاران، ۱۹۹۹، به نقل از علیزاده، ۱۳۸۲). این مقیاس از روایی داخلی رضایت‌بخشی (۰/۷۷) برخوردار است (روزنبرگ، ۱۹۸۹، به نقل از علیزاده، ۱۳۸۲). ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش فعلی نیز بررسی شد و برابر با ۰/۶۸ بود.

مقیاس دشواری در تنظیم هیجان (DERS): مقیاس دشواری در تنظیم هیجان (گراتز و رومر^{۳۷}، ۲۰۰۴) یک ابزار ۳۶‌گویه‌ای است که سطوح نقص و نارسایی تنظیم هیجانی فرد را در اندازه‌های پنج‌درجه‌ای از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) در شش زیرمقیاس زیر می‌سنجد: نپذیرفتن هیجان‌های منفی، دشواری در انجام رفتارهای هدفمند، دشواری در مهار رفتارهای تکانشی، دستیابی محدود به راهبردهای اثربخش تنظیم هیجان، فقدان آگاهی هیجانی و فقدان شفافیت هیجانی. نمره بیشتر در هر یک از زیرمقیاس‌ها و کل مقیاس، نشانه دشواری بیشتر در تنظیم هیجان است. ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل مقیاس از ۰/۷۹ تا ۰/۹۲ به دست آمد که همسانی درونی نسخه فارسی، مقیاس دشواری تنظیم هیجان را تأیید می‌کند. پایایی بازآزمایی مقیاس دشواری تنظیم هیجان برای نمونه‌های بالینی $\Pi=0.85$ و غیربالینی $\Pi=0.86$ در دو نوبت با فاصله‌های چهار تا شش هفته برای نمره کل مقیاس از ۰/۷۱ تا ۰/۸۷ به دست آمد که پایایی بازآزمایی مقیاس دشواری تنظیم هیجان را تأیید می‌کند (بشارت، ۱۳۹۷). ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش فعلی نیز بررسی شد و برابر با ۰/۸۱ بود.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در آمار توصیفی، اطلاعات دموگرافیک نمونه به همراه درصد فراوانی بررسی شد. در آمار استنباطی، نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف بررسی شد. سپس برای ارزیابی برازش کلی مدل روش تحلیل مسیر به کار برده شد.

بیان یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: در بخش، یافته‌های توصیفی میانگین، انحراف معیار، کجی، کشیدگی، حداقل نمره و حداکثر نمره متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	زیرمقیاس‌ها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل نمره	حداکثر نمره
طرحواره‌ها	محرومیت هیجانی	۱۲,۳۰	۵,۵۷	۰,۸۱	۰,۱۸	۵	۳۰
	رهاشدگی	۱۲,۶۰	۵,۴۰	۰,۶۱	-۰,۱۹	۵	۲۹
	بی‌اعتمادی	۱۱,۲۳	۵,۱۹	۰,۹۹	۰,۵۰	۵	۲۸
	انزوای اجتماعی	۹,۳۶	۴,۳۰	۱,۵۸	۲,۸۲	۵	۲۵
	نقص و شرم	۷,۶۱	۳,۵۸	۱,۹۳	۳,۱۰	۵	۲۳
	شکست	۱۰,۳۳	۴,۹۷	۰,۸۷	-۰,۱۷	۵	۲۵
	وابستگی	۹,۰۸	۴,۱۷	۱,۳۸	۲,۱۰	۵	۲۵
	آسیب‌پذیری	۱۰,۳۵	۵,۰۷	۱,۰۶	۰,۶۵	۵	۲۸
	گرفتار	۱۰,۷۴	۴,۴۰	۰,۸۲	۰,۹۷	۵	۲۹
	اطاعت	۹,۲۵	۴,۵۱	۱,۳۸	۱,۶۵	۵	۲۷
	ایثار	۱۸,۱۷	۵,۳۱	۰,۱۷	-۰,۵۴	۵	۳۰
	بازداری هیجانی	۱۱,۴۳	۴,۹۳	۰,۷۲	۰,۴۰	۵	۲۹
	معیارهای سرسختانه	۱۷,۷۰	۵,۲۱	۰,۰۴	-۰,۳۹	۵	۳۰
	استحقاق	۱۵,۳۷	۵,۲۱	۰,۳۳	-۰,۰۷	۵	۳۰
	خویش‌نمندی	۱۳,۲۸	۵,۰۵	۰,۳۹	۰,۴۱	۵	۲۷
	پذیرش‌جویی	۱۴,۱۹	۵,۹۱	۰,۴۳	-۰,۴۵	۵	۳۰
	منفی‌بافی	۱۲,۵۷	۵,۴۳	۰,۵۷	۰,۳۱	۵	۲۸
تنبیه	۱۰,۰۸	۴,۸۶	۰,۹۷	۰,۱۹	۵	۲۸	
حرمت خود	-	۶,۴۲	۳,۹۲	-۱,۳۵	۱,۶۷	-۱۰	+۱۰
تنظیم هیجان	-	۷۹,۸۸	۲۴,۱۹	۰,۵۷	-۰,۴۳	۳۹	۱۴۵
تعارض والد - نوجوان	-	۴۳,۱۴	۱۱,۰۷	۱,۱۱	۰,۷۱	۲۷	۷۴

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نمره‌های خام، میانگین و انحراف معیار و نمره کمینه و بیشینه متغیرهای پژوهش شامل نمره‌های شانزده طرحواره، حرمت خود، تنظیم هیجان، تعارض والد - نوجوان ارائه شده است. بازه نمره‌ها در متغیر حرمت خود بین منفی ۱۰ تا مثبت ۱۰ است. میانگین به‌دست‌آمده برابر ۶,۴۲ است. کمترین نمره به‌دست‌آمده برابر با منفی ۱۰ و بیشترین نمره برابر با مثبت ۱۰ است. بازه نمره‌ها در متغیر تنظیم هیجان بین ۳۶ تا ۱۸۰ است. میانگین به‌دست‌آمده برابر با ۷۹,۸۸ است. کمترین نمره به‌دست‌آمده برابر با ۳۹ و بیشترین نمره برابر با ۱۴۵ است. قابل ذکر است نمره بالا در این مقیاس، به معنی دشواری بیشتر در تنظیم هیجان است. بازه نمره‌ها در متغیر تعارض والد - نوجوان بین ۲۰ تا ۸۰ است. میانگین به‌دست‌آمده برابر ۴۳,۱۴ است و کمترین نمره به‌دست‌آمده برابر با ۲۷ و بیشترین نمره برابر با ۷۴ است. همچنین وجود رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بین با متغیر وابسته از طریق ماتریس همبستگی متغیرهای مورد پژوهش در جدول شماره ۳ گزارش شده است.

جدول ۳: ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعارض	حرمت خود	تنظیم هیجان	محرومیت هیجانی	رهاشدگی	بی‌اعتمادی	انزوای اجتماعی	نقص	استحقاق	شکست	وابستگی
تعارض با والدین	-	-۰,۱۹*	۰,۳۸**	۰,۳۰**	۰,۱۶*	۰,۰۹	۰,۱۱	۰,۳۲**	۰,۱۱	۰,۰۸	۰,۳۰**
حرمت خود	-۰,۱۹*	-	-	-۰,۴۳**	-۰,۴۷**	-۰,۱۱**	-۰,۱۹**	-۰,۴۹**	-۰,۱۰	۰,۱۲	-۰,۵۲**

تنظیم هیجان	۰,۳۸**	-	-	۰,۴۰**	۰,۳۰**	۰,۱۱	۰,۱۷*	۰,۴۶**	۰,۱۱	۰,۰۶	۰,۵۷**
متغیرها	گرفتار	اطاعت	ایثار	بازداری هیجانی	معیارهای سرسختانه	خویشتن‌داری ناکافی	آسیب-پذیری	پذیرش جویی	منفی‌بافی	تنبیه	
تعارض با والدین	۰,۰۶	۰,۱۰	۰,۰۷	۰,۲۱**	۰,۰۲**	۰,۰۶	۰,۲۱**	۰,۰۹	۰,۳۰**	۰,۰۷	
حرمت‌خود	-۰,۰۹	-۰,۱۷*	-۰,۰۶	-۰,۳۹**	-۰,۱۱	-۰,۴۵**	-۰,۴۰**	-۰,۱۲	-۰,۵۳**	-۰,۱۱	
تنظیم هیجان	۰,۱۱	۰,۳۰**	۰,۰۹	۰,۴۸**	۰,۱۱	۰,۵۶**	۰,۵۰**	۰,۱۲	۰,۵۹**	۰,۰۹	

جدول ۳ همبستگی همه متغیرهای پژوهش با یکدیگر را نشان می‌دهد.

یافته‌های استنباطی: در آمار استنباطی، نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنف بررسی شد. سپس برای ارزیابی برازش کلی مدل، روش تحلیل مسیر به کار برده شد که در ادامه توضیح داده شده است.

بررسی پیش‌فرض‌ها

به‌منظور اجرای تحلیل مسیر، بررسی مفروضه‌های آن صورت گرفت: ۱. تعداد نمونه حداقل برای هر خرده‌مقیاس ده نفر رعایت شده است؛ ۲. از متغیرهای نسبی و فاصله‌ای استفاده شد؛ ۳. وجود رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بین با متغیر وابسته که از طریق ماتریس همبستگی متغیرهای مورد پژوهش بررسی شد؛ ۴. استقلال خطاها یا غیرهمبسته بودن جملات خطای متغیرها با استفاده از آزمون دوربین واتسون انجام شد. مقدار شاخص آماری در این آزمون در بررسی اثرگذاری متغیرهای برون‌زا و واسطه بر تعارض والد-نوجوان برابر ۲,۰۲ و طبق قاعده‌های آماری مقدار شاخص بین ۱,۵ تا ۲,۵ پذیرفتنی است؛ ۵. یک‌سویه بودن جهت مدل: روابط بین متغیرها در پژوهش یک‌سویه و از متغیر برون‌زا به متغیرهای واسطه و درون‌زا و از واسطه به درون‌زاست؛ ۶. نرمال بودن داده‌ها: بررسی نرمال بودن توزیع با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنف صورت گرفت که در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴: آزمون K-S (بررسی نرمال بودن توزیع)

متغیرها	تعارض	حرمت خود	تنظیم هیجان	محرومیت هیجانی	رهاشده گی	بی‌اعتمادی	انزوای اجتماعی	نقص	استحقاق	شکست	وابستگی
مقدار Z	۱,۲۳	۱,۸۱	۱,۶۰	۱,۶۸	۱,۷۷	۲,۲۸	۱,۷۶	۰,۸۶	۱,۴۹	۱,۱۴	۱,۱۲
سطح معناداری	۰,۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰۷	۰,۰۰۴	۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰۴	۰,۰۰۹	۰,۰۰۲	۰,۰۰۱	۰,۰۰۲

متغیرها	گرفتار	اطاعت	ایثار	بازداری هیجانی	معیارهای سرسختانه	خویشتن‌داری ناکافی	آسیب-پذیری	پذیرش جویی	منفی‌بافی	تنبیه
مقدار Z	۱,۴۷	۱,۵۷	۱,۵۵	۱,۵۰	۱,۷۰	۱,۵۸	۱,۲۴	۰,۹۸	۲,۲۸	۲,۰۰
سطح معناداری	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۲	۰,۰۰۷	۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۱

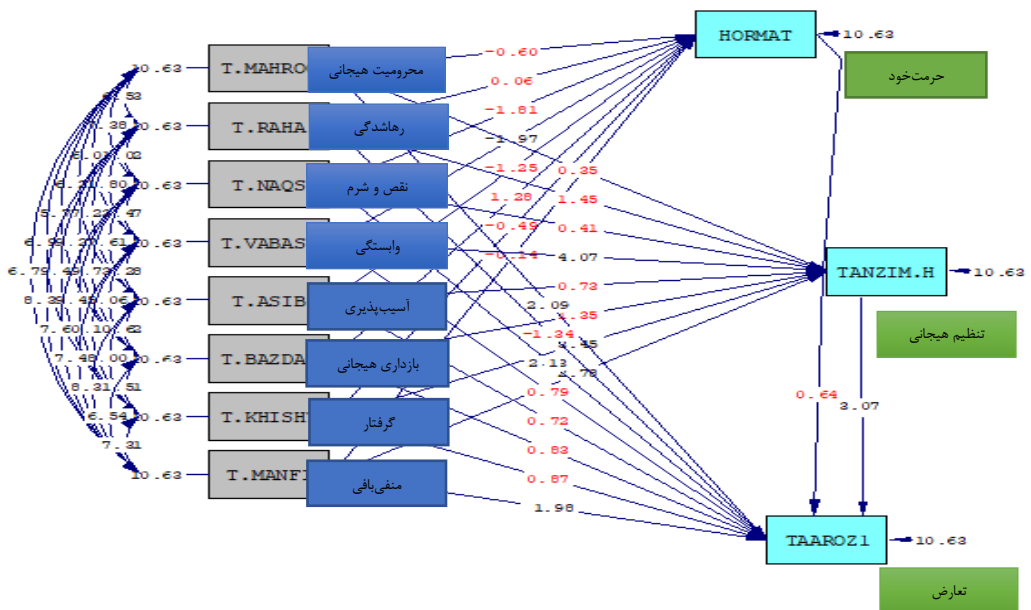
بررسی نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنف در جدول ۴ نشان می‌دهد که در همه متغیرهای پژوهش، مقادیر K-S در سطح $P \leq 0,01$ معنادار است. بنابراین، تفاوت توزیع گروه نمونه با توزیع نرمال معنادار بوده و در واقع توزیع متغیرها غیرنرمال است. به این ترتیب، پیش‌فرض استفاده از آمار پارامتریک تأمین نشده و

می‌باید از آزمون‌های ناپارامتریک، یعنی همبستگی اسپیرمن، استفاده کرد. قابل ذکر است که برای اجرای تحلیل مسیر، نرمال بودن متغیرها پیش‌فرض اساسی است. لذا در پژوهش حاضر، از تبدیل نرمال‌ساز ریشه دوم، که برای داده‌هایی با کجی متوسط مناسب است، نیز استفاده شده است.

تحلیل مسیر متغیرهای پیش‌بینی‌کننده تعارض والد-نوجوان

به‌منظور بررسی متغیرهای مدل پیش‌بینی تعارض والد - نوجوان که شامل متغیر برون‌زای طرحواره‌های ناسازگار اولیه والدین و متغیرهای میانجی حرمت خود و تنظیم هیجان است، از نرم‌افزار Lisrel و از روش تحلیل مسیر استفاده شد. به‌منظور برآورد مدل از روش ML^{۳۸} استفاده شده است. این روش متداول‌ترین روش برآورد و مستقل از مقیاس داده‌هاست. با توجه به نرمال بودن توزیع متغیرها (پس از نرمال‌سازی) و داشتن بیش از صد نمونه در پژوهش، استفاده از این روش مجاز است.

در مرحله اول اجرای تحلیل مسیر، تمامی متغیرها وارد تحلیل شدند، اما در مدل به‌دست‌آمده، بسیاری از ضرایب مسیر معنادار نبودند و شاخص‌های برازش حاکی از عدم مطلوبیت مدل بود. در گام بعد، طرحواره‌های رهاشدگی، بازداری هیجانی و آسیب‌پذیری که ضریب مسیر بسیار ناچیز داشت، از مدل حذف شدند. حذف این متغیرها نیز توانست مطلوبیت مدل را افزایش دهد و برخی ضرایب مسیر و مقادیر t ارتقا یافت. مدل ابتدایی برازش نشده در نمودار ۲ نشان داده شده است:



نمودار ۲. مدل ابتدایی برازش نشده پژوهش

اثرات مستقیم

مقادیر به دست آمده در جداول زیر، بر اساس مدل دوم (پس از حذف موارد گفته شده در بالا) به دست آمده است.

جدول ۵: برآورد ضرایب اثر مستقیم

روابط مستقیم متغیرها در مدل	مقادیر برآورد استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
محرومیت هیجانی بر حرمت خود	-۰,۰۵	-۰,۶۶	$p > ۰,۰۵$
محرومیت هیجانی بر دشواری در تنظیم هیجان	۰,۰۴	۰,۶۳	$p > ۰,۰۵$
محرومیت هیجانی بر تعارض	۰,۱۷	۲,۱۵	$p < ۰,۰۱$
نقص بر حرمت خود	-۰,۱۸	-۲,۷۰	$p < ۰,۰۱$
نقص بر دشواری در تنظیم هیجان	۰,۰۵	۰,۷۷	$p > ۰,۰۵$
نقص بر تعارض	۰,۱۶	۲,۰۸	$p < ۰,۰۱$
وابستگی بر حرمت خود	-۰,۱۷	-۲,۴۳	$p < ۰,۰۱$
وابستگی بر دشواری در تنظیم هیجان	۰,۳۰	۵,۰۳	$p < ۰,۰۱$
وابستگی بر تعارض	۰,۰۶	۰,۷۲	$p > ۰,۰۵$
خویشتن‌داری ناکافی بر حرمت خود	-۰,۰۳	-۰,۳۱	$p > ۰,۰۵$
خویشتن‌داری ناکافی بر دشواری در تنظیم هیجان	۰,۲۴	۳,۳۶	$p < ۰,۰۱$
خویشتن‌داری ناکافی بر تعارض	۰,۰۷	۰,۷۸	$p > ۰,۰۵$
منفی‌بافی بر حرمت خود	۰,۰۵	۰,۶۵	$p > ۰,۰۵$
منفی‌بافی بر دشواری در تنظیم هیجان	۰,۲۷	۴,۳۴	$p < ۰,۰۱$
منفی‌بافی بر تعارض	۰,۲۱	۳,۳۰	$p < ۰,۰۱$
حرمت خود بر تعارض	۰,۰۴	۰,۶۶	$p > ۰,۰۵$
دشواری در تنظیم هیجان بر تعارض	۰,۳۱	۴,۴۳	$p < ۰,۰۱$

با عنایت به ارقام گزارش شده در جدول ۵، اثر مستقیم طرحواره‌های نقص و وابستگی بر حرمت خود در سطح $P \leq ۰,۰۱$ معنادار است. اما اثر طرحواره‌های محرومیت، خویشتن‌داری ناکافی و منفی‌بافی بر حرمت خود معنادار نیست. اثر مستقیم طرحواره‌های وابستگی و خویشتن‌داری ناکافی و منفی‌بافی بر دشواری در تنظیم هیجان در سطح $P \leq ۰,۰۱$ معنادار است. اما اثر طرحواره‌های محرومیت هیجانی و نقص بر دشواری در تنظیم هیجان معنادار نیست. اثر مستقیم طرحواره‌های محرومیت هیجانی، نقص و منفی‌بافی بر تعارض والد-نوجوان در سطح $P \leq ۰,۰۱$ معنادار است. اما اثر طرحواره‌های وابستگی و خویشتن‌داری ناکافی بر تعارض معنادار نیست. اثر مستقیم حرمت خود بر تعارض والد-نوجوان معنادار نیست. اثر مستقیم بدتنظیمی هیجان بر تعارض والد-نوجوان در سطح $P \leq ۰,۰۱$ معنادار است.

اثرات غیرمستقیم

جدول ۶ ضرایب اثر غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار والدین بر تعارض والد-نوجوان با میانجیگری بدتنظیمی هیجانی را نشان می‌دهد.

جدول ۶: برآورد ضرایب اثر غیرمستقیم

روابط غیرمستقیم متغیرها در مدل	مقادیر برآورد استاندارد	مقدار Z	سطح معناداری
وابستگی بر تعارض با میانجیگری بدتنظیمی هیجان	۰,۰۹	۳,۶۸	$p < ۰,۰۱$
خویش‌داری ناکافی بر تعارض با میانجیگری بدتنظیمی هیجان	۰,۰۷	۲,۸۵	$p < ۰,۰۱$
منفی‌بافی بر تعارض با میانجیگری بدتنظیمی هیجان	۰,۰۸	۳,۲۳	$p < ۰,۰۱$

برای به دست آوردن ضریب برآورد، اثر طرحواره‌های ناسازگار بر بدتنظیمی هیجانی (a) در اثر بدتنظیمی هیجانی بر تعارض والد-نوجوان (b) ضرب شده است. برای محاسبه معناداری ضریب برآورد به دست آمده از Z سوپل^{۳۹} استفاده شده است. با عنایت به ارقام گزارش شده در جدول فوق، اثر غیرمستقیم طرحواره وابستگی والدین بر تعارض با میانجیگری بدتنظیمی هیجانی، اثر غیرمستقیم طرحواره خویش‌داری ناکافی والدین بر تعارض با میانجیگری بدتنظیمی هیجانی و اثر غیرمستقیم طرحواره منفی‌بافی والدین بر تعارض با میانجیگری بدتنظیمی هیجان در سطح $P \leq ۰,۰۱$ معنادار است.

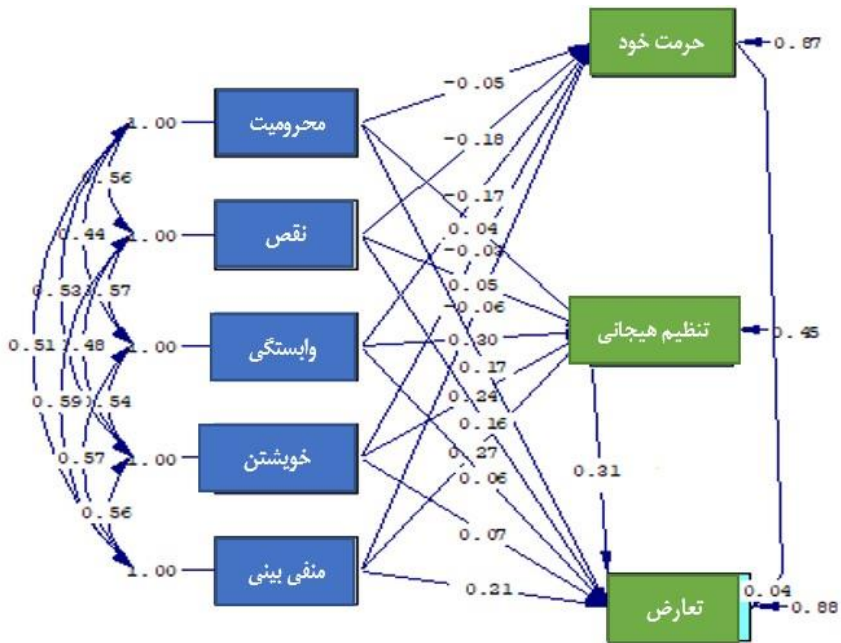
فرضیه پژوهش: بین طرحواره‌های ناسازگار والدین و تعارض والد - نوجوان با میانجیگری حرمت خود و تنظیم هیجان رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که طرحواره‌های محرومیت‌هیجانی، نقص و منفی‌بافی بر تعارض والد-نوجوان اثر مستقیم معنادار دارند. طرحواره منفی‌بافی علاوه بر اثر مستقیم، اثر غیرمستقیم معنادار نیز بر تعارض دارد. طرحواره‌های وابستگی و خویش‌داری ناکافی اثر مستقیم بر تعارض ندارند، اما به واسطه تنظیم هیجان، اثر غیرمستقیم معنادار بر تعارض دارند. در ضمن، اثر مستقیم طرحواره‌های نقص و وابستگی بر حرمت‌خود معنادار است؛ اما حرمت‌خود اثر معناداری بر تعارض ندارد. مقادیر مربوط به شاخص‌های برازش مدل پژوهش در جدول زیر ارائه شده است.

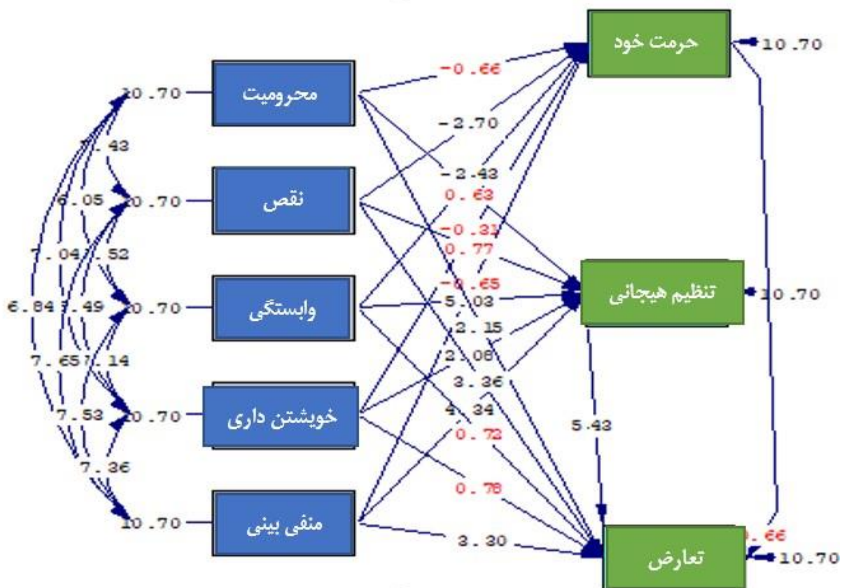
جدول ۷: شاخص‌های برازش مدل نهایی

شاخص	مقدار	دامنه مورد قبول	نتیجه
χ^2	۱,۷۶	≤ ۲	برازندگی مدل
p.valu	۰,۱۹	$\geq ۰/۰۵$	برازندگی مدل
RMSEA	۰,۰۰۰۱	$\leq ۰/۰۵$	برازندگی مدل
NFI	۰,۹۶	$\geq ۰/۹۵$	برازندگی مدل
CFI	۰,۹۶	$\geq ۰/۹$	برازندگی مدل
GFI	۰,۹۷	$\geq ۰/۹$	برازندگی مدل

با توجه به نتایج جدول ۷، شاخص‌های مربوط به برازندگی مدل نشان‌دهنده آن است که برازش و تناسب مدل نهایی از میزان قابل قبولی برخوردار است. این مدل نهایی در نمودار ۳ نشان داده شده است.

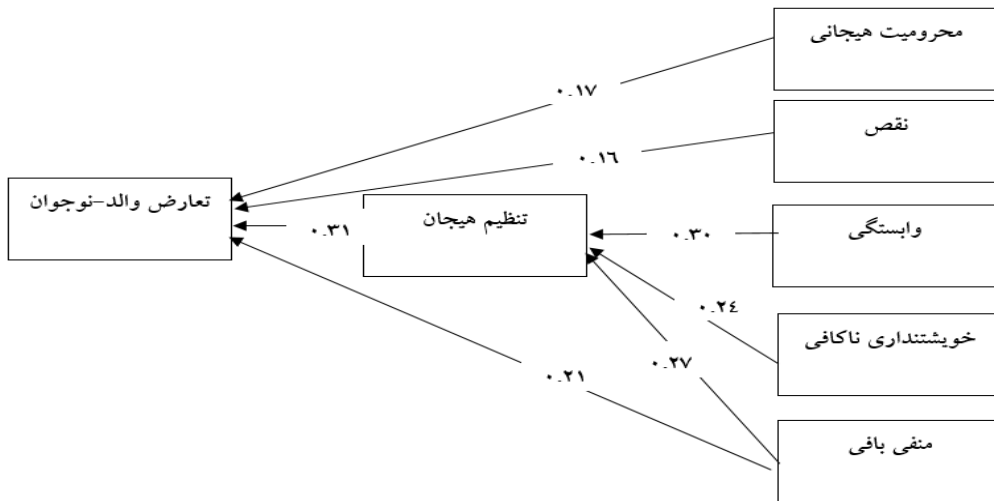


نمودار ۳. مدل نهایی بر اساس ضرایب برآورد استاندارد



نمودار ۴. مدل نهایی بر اساس ضرایب t

در نهایت، مدل استخراج شده از پژوهش به شکل زیر است:



نمودار ۴. مدل نهایی استخراج شده از پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای حرمت خود و تنظیم هیجان در رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران و تعارض‌های والد - نوجوان بود. نتایج یافته‌های پژوهش نشان داد که طرحواره‌های محرومیت هیجانی، نقص و منفی‌گرایی بر تعارض‌های والد - نوجوان اثر مستقیم معنادار دارند. طرحواره منفی‌گرایی علاوه بر اثر مستقیم، نیز اثر غیرمستقیم معنادار بر تعارض دارد. طرحواره‌های وابستگی و خویشتنداری ناکافی اثر مستقیمی بر تعارض ندارند، اما به واسطه تنظیم هیجان، اثر غیرمستقیم معنادار بر تعارض می‌گذارند. در ضمن، اثر مستقیم طرحواره‌های نقص و وابستگی بر حرمت خود معنادار است، اما حرمت خود اثر معناداری بر تعارض ندارد. یافته‌های حاصل از این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پیشین هماهنگ است.

در تبیین نتایج می‌توان گفت افرادی که طرحواره محرومیت هیجانی دارند، در دوران کودکی به‌قدر کافی محبت و توجه، درک و همدلی یا حمایت و راهنمایی از سوی دیگران دریافت نکرده‌اند. سبک مقابله‌ای این افراد می‌تواند به دو صورت باشد: ۱. برخی از آن‌ها سبک مقابله‌ای تسلیم را در پیش می‌گیرند. این افراد هنگامی که مورد بی‌اعتنایی هیجانی قرار می‌گیرند، خاموش می‌مانند و سکوت می‌کنند؛ ۲. برخی دیگر نیز با خصومت‌ورزی و پرتوقعی می‌کوشند احساس محرومیت خود را جبران کنند. این افراد خودشیفته هستند و طوری رفتار می‌کنند که گویی از عالم و آدم طلبکارند. توقعات این افراد زیاد است و برای دستیابی به خواسته‌هایشان حتی نزدیکان خود را نیز استثمار می‌کنند. این افراد به دلیل همین طرز فکر، دائماً عصبانی و طلبکار خواهند بود (یانگ و کلسکو، ۱۹۵۰). پرتوقعی و خصومت‌ورزی، استثمار نزدیکان از جمله اعضای

خانواده و نیز همواره عصبانی و طلبکار بودن قطعاً می‌تواند موجب ایجاد تعارض‌های شدیدی میان والدین و فرزندان‌شان شود و جوّ خانه را متشنج کند و روابط میان والدین و نوجوانان را سرد و نیز کم‌کم قطع کند. افرادی که طرحواره نقص/ شرم دارند، احساس می‌کنند که عیب‌های زیادی دارند و از ارزش چندانی برخوردار نیستند. آن‌ها باور راسخ دارند که برای اطرافیان ارزشمند و دوست‌داشتنی نیستند و فکر می‌کنند هر آن ممکن است عیب‌هایشان برملا شود. افرادی با طرحواره نقص/ شرم از فرزندان‌شان به شدت انتقاد می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند با انتقادگری و عیب‌جویی از فرزندان‌شان شرمساری خود را پنهان کنند. آن‌ها با فرزندان‌شان همان‌گونه رفتار می‌کنند که با آن‌ها رفتار شده است. به عبارتی، فرزندان‌شان سیر بلای مشکلات آن‌ها می‌شوند. فرزندان نیز به دلیل آسیب‌پذیری و بی‌تجربگی نمی‌توانند جلوی آن‌ها بایستند. تحقیق فرزندان، حداقل برای لحظاتی کوتاه، باعث می‌شود از دست احساس شرم درونی خلاص شوند و احساس بهتری پیدا کنند (یانگ و کلسکو، ۱۹۵۰). حقیر فرزندان و انتقاد مداوم و عیب‌جویی مداوم از آن‌ها علاوه بر اینکه به عزت‌نفس فرزندان لطمه می‌زند، می‌تواند مسبب ایجاد تعارض‌های شدیدی میان والدین و فرزندان شود و روابطشان را با یکدیگر تخریب کند.

افرادی که طرحواره منفی‌گرایی/دببینی دارند، بر جنبه‌های منفی زندگی به صورت عمیق و مداوم تمرکز می‌کنند، درحالی‌که جنبه‌های مثبت و خوش‌بینانه زندگی را دست‌کم می‌گیرند یا از آن‌ها غافل‌اند. این طرحواره معمولاً شامل انتظارات افراطی در طیف وسیعی از موقعیت‌ها می‌شود که می‌تواند مسبب اصلی در ایجاد تعارض باشد. مشخصه این بیماران نگرانی مزمن، گوش‌به‌زنگی، غر زدن یا بلاتکلیفی است (یانگ، کلسکو و ویشار، ۱۹۵۰). افرادی با طرحواره منفی‌گرایی، انتساب‌های منفی از مواقع دارند که همان طور که پژوهش وینگیت (۲۰۰۴) نیز نشان داد، از علل تعارض‌های شدید میان والدین و نوجوانان است.

افرادی با طرحواره وابستگی/بی‌کفایتی احساس می‌کنند که نمی‌توانند بدون کمک دیگران از پس کارهای خود بر بیایند و برای انجام کارهایشان دست نیاز به سوی دیگران دراز می‌کنند و نیاز دارند دیگران همواره حمایتشان کنند. این افراد معتقدند که بی‌عرضه هستند و نمی‌توانند گلیم خود را از آب بیرون بکشند. آن‌ها از پذیرش مسئولیت به شدت اکراه دارند و به‌سادگی از زیر بار کارها و مسئولیت‌ها شانه خالی می‌کنند. این کار به تدریج در ذهن آن‌ها اثر می‌گذارد و آن‌ها را به این باور راسخ می‌رساند که در انجام کارهای خود ضعف دارند. آن‌ها در تصمیم‌گیری بسیار مردد و دودل‌اند و به دیگران اجازه می‌دهند که به جای‌شان تصمیم بگیرند و این کار باعث می‌شود اعتقاد راسخ پیدا کنند که فردی بی‌کفایت و نالایق هستند. این افراد از مشکلات می‌گریزند. عزت‌نفس پایین مؤلفه اصلی و رنج‌آور تله زندگی وابستگی به شمار می‌رود (یانگ و کلسکو، ۱۹۵۰).

به‌علاوه، افرادی با طرحواره وابستگی در ارتباط با اعضای خانواده، دوستان یا فرزندان‌شان نقش فردی مطیع را پذیرفته‌اند و بی‌تردید ایفای نقش زیردست و مطیع باعث ایجاد خشم در آن‌ها می‌شود. اگرچه این افراد بسیار مایل‌اند از فردی که به او وابسته شده‌اند اطمینان و امنیت بگیرند، اما از دست او بسیار دلخورند و معمولاً جرئت ندارند خشمشان را به طور سالم بروز دهند. آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم یکی از نیازهای هیجانی اساسی بشر است، ولی این افراد به دلیل شکل‌گیری طرحواره وابستگی از این نیاز طبیعی

محروم شده‌اند (یانگ و کلوکسو، ۱۹۵۰). ذا این طرحواره با ایجاد مشکل در تنظیم هیجانی می‌تواند موجب تعارض میان والدین و نوجوانان شود.

افرادی با طرحواره خویشتن‌داری/خودانضباطی ناکافی نمی‌توانند ابراز هیجان‌ها و تکانه‌هایشان را مدیریت کنند. تکانشگری و بیان شدید هیجان‌ها همچون دادوبیداد کردن و اظهار رفتارهای نمایشی از ویژگی‌های این افراد است. از سوی دیگر، این افراد نمی‌توانند برای دستیابی به اهدافشان خویشتن‌داری نشان دهند و تحمل خستگی و ناکامی در حین انجام کارها را ندارند (یانگ و کلوکسو، ۱۹۵۰). همان طور که پیش‌تر اشاره شد، دشواری در انجام رفتارهای هدفمند و دشواری در مهار رفتارهای تکانشی از مؤلفه‌های دشواری در تنظیم هیجان است و می‌تواند به ایجاد تعارض منجر شود.

در تبیین بی‌تأثیری حرمت‌خود بر تعارض‌های والد-نوجوان نیز می‌توان این‌گونه گفت که همان طور که پژوهش استینبرگ و سیلورگ (۱۹۸۷) و پارک و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند، تعارض‌ها در کاهش حرمت‌خود والدین و نوجوانان مؤثرند، اما به نظر می‌رسد که این رابطه دوسویه نیست و حرمت‌خود پایین در مادران صرفاً می‌تواند سبب کاهش ارتباط آن‌ها با نوجوانانشان شود و نمی‌تواند در ایجاد تعارض میان والدین و نوجوانان نقش بسزایی داشته باشد.

محدودیت‌ها

در ارتباط با مشکلات و محدودیت‌های مواجه شده در هنگام انجام این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا در زمان انجام پژوهش و تعطیل بودن مدارس، دسترسی به اعضای جامعه مورد پژوهش امکان‌پذیر نبود و پژوهش به صورت آنلاین برگزار شد.
۲. در این پژوهش برای بررسی مدل پژوهش، از دو نمونه پژوهش نوجوانان دختر و مادرانشان بود که دسترسی را سخت کرد.
۳. پژوهش علاوه بر نوجوانان دختر، از بین والدین، تنها با مادران انجام شد و نتوانستیم پدران را وارد پژوهش کنیم.

پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی

در زیر برخی پیشنهادهاى منبعث از پژوهش را ارائه می‌دهیم که می‌تواند در پژوهش‌های آتی از آن‌ها استفاده شود:

۱. انجام پژوهشی مشابه این پژوهش دربارهٔ حجم نمونه پسران و والدینشان.
۲. انجام این پژوهش دربارهٔ دانش‌آموزان پسر و دختر به‌منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی.
۳. انجام این پژوهش با حضور پدران.
۴. استفاده از سنجش و مداخله‌های طرحواره درمانی درباره طرحواره‌های ناسازگار والدین برای کاهش تعارض‌های شدید میان والدین و نوجوانان.

پی‌نوشت‌ها

1. Branje
2. Hadiwijaya, Klimstra, Vermunt, Branje & Meeus
3. Mastrotheodoros, Van der Graaff, - Meeus, Branje
4. Parret - Adolescent Conflict
5. Laursen
6. Huey, Hiatt, Laursen, Burk, & Rubin
7. Weymouth, Buehler, Zhou & Henson
8. Martin, Sturge-Apple, & Gutierrez
9. Putnick
10. Montemayor
11. Stern
12. Robin & Foster
13. Wingate
14. Early maladaptive schema
15. Self-esteem
16. Rosenberg
17. Sandu, Calin & Mogos
18. Park, Park, Williams, Shibusawa & Martin
19. Silverberg & Steinberg
20. Emotion regulation
21. Poole, Dobson & Pusch
22. Emotional Variability
23. Van Bommel, Van der Giessen, Van - der Graaff, Meeus & Branje
24. Kim & Cicchetti
25. Buckholdt, Parra & Jobe-Shields
26. Han & Shaffer
27. Dix
28. A model of Parental Meta-Emotion Philosophy
29. Gottman, Katz & Hooven
30. Halvorsen
31. Renner
32. Calvete
33. Kwak & Lee
34. Shorey
35. Salsali & Silverstone
36. Makikangas
37. Gratz & Roemer
38. Maximum Likelihood
39. Sobel

References

- Ahmadpoor, H., Asadi Yoonesi, M.R., Rastgoo Moghadam, M. (2013). *Comparison of Parenting Styles and Conflict Styles Resolution in Families with Conflict and without Parent-Adolescent Conflict*. Master Thesis Educational Psychology. University of Birjand [in Persian].
- Asadi Yoonesi, M. (2010). The Relationship between Conflict with parents and Attitude toward Smoking with Cigarette Consumption among Male Students of Birjand University, Presented at the Provincial Conference on Primary Prevention of Addiction in Birjand.
- Alavi, L. A. A. & Ahmadi Tahour, S. M. (2017). Association between Maltreatment in Childhood and Emotional Divorce: Mediating Role of Attachment Styles, Early Maladaptive Schemas and Difficulty in Emotional Regulation. *Journal of Health Promotion Management*, 7(2), 49-56 [in Persian].
- Alizadeh, T., Farahani, M. N., Shahraray, M., & Alizadegan, S. (2005). The Relationship between Self Esteem and Locus of Control with Infertility Related Stress of no Related Infertile Men and Women. *Journal of Reproduction & Infertility*, 6(2) [in Persian].

- Besharat, M. A., Dehghani, S. & Tavalaeayan, F. S. (2014). Mediating Role of Early Maladaptive Schemas on the Relationship between Parenting Styles and Marital Problems. *Journal of Family Psychology*, 1(1), 3-18 [in Persian].
- Besharat, M. A. (2018). Difficulties in Emotion Regulation Scale. *Thought & Behavior in Clinical Psychology*, 47, 89-92 [in Persian].
- Branje, S. (2018). Development of Parent-Adolescent Relationships: Conflict Interactions as a Mechanism of Change. *Child Development Perspectives*, 12(3), 171-176. <https://doi.org/10.1111/cdep.12278>
- Buckholdt, K. E., Parra, G. R., & Jobe-Shields, L. (2014). Intergenerational Transmission of Emotion Dysregulation through Parental Invalidation of Emotions: Implications for Adolescent Internalizing and Externalizing Behaviors. *Journal of Child and Family Studies*, 23(2), 324-332. <https://doi.org/10.1007/s10826-013-9768-4>
- Calvete, E., Orue, I. & Hankin, B. L. (2015). A Longitudinal Test of the Vulnerability Stress Model with early Maladaptive Schemas for Depressive and Social Anxiety Symptoms in Adolescents. *Journal of 10 KARAARSLAN ET AL. Psychopathology and Behavioral Assessment*, 37(1), 85-99. <https://doi.org/10.1007/s10862-014-9438x>
- Delavar, A. (2016). *Educational and Psychological Research*. Tehran: Virayesh Publication Institute [in Persian].
- Dix, T. (1991). The Affective Organization of Parenting: Adaptive and Maladaptive Processes. *Psychological Bulletin*, 110(1), 3. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0033-2909.110.1.3>
- Fennell, M. J. (1997). Low Self-Esteem: A Cognitive Perspective. *Behavioural and Cognitive Psychotherapy*, 25(1), 1-26. <https://doi.org/10.1017/S1352465800015368>
- Gross, J. J. (1998). Antecedent-and Response-Focused Emotion Regulation: Divergent Consequences for Experience, Expression, and Physiology. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74(1), 224.
- Gratz, K. L. & Roemer, L. (2004). Multidimensional Assessment of Emotion Regulation and Dysregulation: Development, Factor Structure, and Initial Validation of the Difficulties in Emotion Regulation Scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 26(1), 41-54. <https://doi.org/10.1023/B:JOBA.-0000007455.-08539.94>
- Gottman, J. M., Katz, L. F. & Hooven, C. (1996). Parental Meta-Emotion Philosophy and the Emotional Life of Families: Theoretical Models and Preliminary Data. *Journal of Family Psychology*, 10(3), 243. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0893-3200.10.3.243>
- Han, Z. R. & Shaffer, A. (2013). The Relation of Parental Emotion Dysregulation to Children's Psychopathology Symptoms: The Moderating Role of Child Emotion Dysregulation. *Child Psychiatry & Human Development*, 44(5), 591-601. <https://doi.org/10.1007/s10578-012-0353-7>
- Halligan, S. L., Cooper, P. J., Fearon, P., Wheeler, S. L., Crosby, M. & Murray, L. (2013). The Longitudinal Development of Emotion Regulation Capacities in Children at Risk for Externalizing Disorders. *Development and Psychopathology*, 25(2), 391-406. <https://doi.org/10.1017/S0954579412001137>
- Hadiwijaya, H., Klimstra, T. A., Vermunt, J. K., Branje, S. J. T. & Meeus, W. H. J. (2017). On the Development of Harmony, Turbulence, and Independence in Parent-

- Adolescent Relationships: A Five-Wave Longitudinal Study. *Journal of Youth and Adolescence*, 46, 1772–1788. <https://doi.org/10.1007/s10964-016-0627-7>
- Halvorsen, M., Wang, C. E., Eisemann, M. & Waterloo, K. (2010). Dysfunctional Attitudes and Early Maladaptive Schemas as Predictors of Depression: A 9-year Follow-Up Study. *Cognitive Therapy and Research*, 34(4), 368–379.
- Hamidpour, H., & Andouz, Z. (2005). Investigating the relationship between maladaptive schema with attachment styles and marital compatibility. Paper presented at the Second Congress of Family Pathology in Iran. Shahid Beheshti University [in Persian].
- Heshmati, A. (2012). Comparison of Maladaptive Schema of Female Adolescents & Their Parents in Family with & without Parent–Adolescent's Conflict. Master Thesis Educational Psychology. University of Birjand [in Persian].
- Huey M, Hiatt C, Laursen B, Burk WJ, & Rubin K (2017). Mother–Adolescent Conflict Types and Adolescent Adjustment: A Person-Oriented Analysis. *Journal of Family Psychology*, 31, 504–512. <https://psycnet.-apa.org/doi/10.1037/fam0000294>
- Kim, J., & Cicchetti, D. (2010). Longitudinal Pathways Linking Child Maltreatment, Emotion Regulation, Peer Relations, and Psychopathology. *Journal of Child Psychology and Psychiatry, and Allied Disciplines*, 51(6), 706–716. <https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2009.02202.x>
- Kwak, K. H., & Lee, S. J. (2015). A Comparative Study of Early Maladaptive Schemas in Obsessive-Compulsive Disorder and Panic Disorder. *Psychiatry Research*, 3(30), 757–762.
- Laursen, B. (1995). Conflict and Social Interaction in Adolescent Relationships. *Journal of Research on Adolescence*, 5(1), 55-70. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2015.11.015>.
- Makikangas, A., Kinnunen, U., Feldt, T. (2004). Self-Steem, Dispositional Optimism, and Health: Evidence from Cross-Lagged Data on Employee. *Journal of Research in Personality*, 38, 556-575. <https://doi.org/10.1016/j.jrp.2004.02.001>
- Mastrotheodoros, S., Van der Graaff, J., Deković, M., Meeus, W. H., & Branje, S. (2020). Parent–Adolescent Conflict across Adolescence: Trajectories of Informant Discrepancies and Associations with Personality Types. *Journal of Youth and Adolescence*, 49(1), 119-135. <https://doi.org/10.1007/s10964-019-01054-7>
- Martin, M. J., Sturge-Apple, M. L., Davies, P. T. & Gutierrez, G. (2019). Attachment Behavior and Hostility as Explanatory Factors Linking Parent–Adolescent Conflict and Adolescent Adjustment. *Journal of Family Psychology*, 33(5), 586. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/fam0000529>
- Montemayor, R. (1983). Parents and Adolescents in Conflict: All Families some of the Time and some Families most of the Time. *The Journal of Early Adolescence*, 3(1-2), 83-103. <https://doi.org/10.1177%2F02-7243168331007>
- Moghadam, F., Ebrahimi Moghadam, H., & Jahangir, P. (2021). The Relationship between Perfectionism, Early Maladaptive Schemas, Attachment Styles, and Body Image Concern by the Mediating Role of Self-Esteem in Cosmetic Surgery Applicants. *Journal of Client-Centered Nursing Care*, 7(1), 27-42. <http://dx.doi.org-10.32598/JCCNC.7.1.351.1>
- Mohammadpour, S., Nazari, H. & Farhadi, A. (2016). Predicting Depression Symptoms Following Childhood Psychological Maltreatment: The Mediating Role of Early

- Maladaptive Schemas and Difficulties in Emotion Regulation. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 26(136), 85-98 [in Persian].
- Park, Y., Park, S. Y., Williams, M., Shibusawa, T. & Martin, J. I. (2021). Family Conflicts, Coping Skills, Depressive Symptoms, and Gender among Korean American Adolescents: Mediating Effects of Self-Esteem. *Journal of the Society for Social Work and Research*, 12(3), 465-488. <https://doi.org/10.1086/715816>
- Poole, J. C., Dobson, K. S. & Pusch, D. (2018). Do Adverse Childhood Experiences Predict Adult Interpersonal Difficulties? The Role of Emotion Dysregulation. *Child Abuse & Neglect*, 80,123-133. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2018.03.006>
- Putnick, D. L., Bornstein, M. H., Lansford, J. E., Malone, P. S., Pastorelli, C., Skinner, A. T., Sorbring, E., Tapanya, S., Uribe Tirado, L. M., Zelli, A., Alampay, L. P., Al-Hassan, S. M., Bacchini, D., Bombi, A. S., Chang, L., Deater-Deckard, K., Di Giunta, L., Dodge, K. A., & Oburu, P. (2015). Perceived Mother and Father Acceptance-Rejection Predict Four Unique Aspects of Child Adjustment across Nine Countries. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 56(8), 923-932. <https://doi.org/10.1111/jcpp.12366>
- Renner, F., Lobbestael, J., Peeters, F., Arntz, A., & Huibers, M. (2012). Early Maladaptive Schemas in Depressed Patients: Stability and Relation with Depressive Symptoms over the Course of Treatment. *Journal of Affective Disorders*, 136(3), 581-590. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2011.10.027>
- Robin, A. L., & Foster, S. L. (2002). *Negotiating Parent-Adolescent Conflict: A Behavioral Family Systems Approach*. Guilford Press.
- Rosenberg, M.(1965). *Society and the Adolescent Self-Image*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Sandu, M. L., Calin, M. F., & Mogos, N. (2021). The Relationship between Maladaptive Cognitive Patterns and Self-Esteem in Adolescents. *Technium Soc. Sci. J.*, 17, 259.
- Salsali, M & Silverstone, P. H. (2003). Low Self-Esteem and Demographic Factors and Psychosocial Stressors in Psychiatric Patients. *Annals of General Hospital Psychiatry*. Full Text Retrieved February 11,2003, from PubMed Central Database.
- Shorey, R. C., Anderson, S. & Stuart, G. L. (2013). The Relation between Antisocial and Borderline Personality Symptoms and early Maladaptive Schemas in a Treatment Seeking Sample of Male Substance Users. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 21(4), 341–351. <https://doi.org/10.1002/cpp.1843>
- Silverberg, S. B. & Steinberg, L. (1987). Adolescent Autonomy, Parent-Adolescent Conflict, and Parental Well-Being. *Journal of Youth and Adolescence*, 16(3), 293-312.
- Stern, S. B. (1999). Anger Management in Parent-Adolescent Conflict. *American Journal of Family Therapy*, 27(2), 181-193. <https://doi.org/10.1007/BF02139096>
- Van Bommel, D. M., Van der Giessen, D., Van der Graaff, J., Meeus, W. H. & Branje, S. J. (2019). Mother–Adolescent Conflict Interaction Sequences: The Role of Maternal Internalizing Problems. *Journal of Research on Adolescence*, 29(4), 1001-1018. <https://doi.org/10.1111/jora.12441>
- Weymouth BB, Buehler C, Zhou N, & Henson RA (2016). A Meta-Analysis of Parent–Adolescent Conflict: Disagreement, Hostility, and Youth Maladjustment. *Journal of Family Theory & Review*, 8, 95–112. <https://doi.org/10.1111/jftr.12126>
- Wingate, A. E. (2004). Attribution Processes in Mother-Adolescent Conflict.

- Xiong, Z. B., Tuicomepee, A. & Rettig, K. D. (2006). Adolescent's Problem Behaviors and Parent-Adolescent Conflicts in Hmong Immigrant Families. *Hmong Studies Journal*, 9, 1-21.
- Young, J. E., Klosko, J. S. & Weishaar, M. E. (2003). *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*. New York: The Guilford Press.
- Young, J. E., Klosko, J. S. & Weishaar, M. E. (1950). *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*. translated by Hassan Hamidpour and Zahra Andouz (2018). Tehran: Arjmand [in Persian].
- Young, J. E. & Klosko, J. S. (1950). *Reinventing Your Life*. translated by Hassan Hamidpour and Elnaz Pirmoradi and Nahid Golizadeh (2011). Tehran: Arjmand [in Persian].
- Yousefi, N., Etemadi, A., Bahrami, F., Ahmadi, A., & Fatehizadeh, M. (2008). Investigating the psychometric indicators of the Early Maladaptive Schema Questionnaire. Doctoral dissertation in family counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Isfahan University [in Persian].